شهید خداداد صنمی‌: شهادت امتداد راه امام حسین(ع) است

شهید خداداد صنمی‌ در وصیت‌نامه خود با بیان اینکه اسلحه مرا بر دوش گذارید و با تکبیر الله‌اکبر همچنان به یاری پیر جماران خمینی بشتابید، عنوان کرد: شهادت امتداد راه امام حسین(ع) است.



به گزارش خبرگزاری فارس از همدان، «شهید»؛ شاهد شهود عرفانی شد و نقش هرچه خوبی را در چهارفصل گیتی نمایان کرد و چشم ستارگان آسمان را روشن، ققنوس هشت جنت که هفت آسمان را مجذوب خود کرده است، همان عاشقی که در وادی مقدس عاشقی، پر پرواز گشود و فرشتگان را نوازشگر روح نابش کرد.

می‌خواهیم هر روز را با نامی و یادی از این ستاره‌ها،‌ شب کنیم و کار را با تبرک و مدد از این عارفان عاشق آغاز؛ باشد که ادای دینی باشد بر آن همه رشادت، شهامت، مجاهدت و شجاعت... «برگ سبزی، تحفه درویش»، «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

**تبرک لحظاتمان با شهید خداداد صنمی‌:**

شهید خداداد صنمی‌ در تاریخ 9 تیر 41 در شهر مریانج چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود را تا سوم متوسطه ادامه داد و از طرف سپاه به جبهه اعزام و به عنوان رزمنده به ایفای مسؤولیت پرداخت. شهید صنمی در تاریخ 29 خرداد 62 در اثر حوادث غیرمترقبه در حین رفت و برگشت به خط مقدم به فیض شهادت نائل آمد. اکنون پیکر پاکش در گلزار شهدای مریانج آرام گرفته است.

آنچه می‌خوانیم وصیت‌نامه شهید خداداد صنمی‌ است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگار خویش روزی می‌خوردند».

با یاد خدا دگر بار هجرتی را پیشه ساختم که در آن خیر است و صلاح و جز این سفر مرا چاره‌ساز نیست و دردم را بدون جاری شدن خونم درمان نیست در این سفر می‌خواهم خالص باشم و پاک می‌خواهم حقیقت‌جو باشم، می‌خواهم علیه ظلم و استثمار پیکار کنم و طرفدار حق و عدالت باشم.

این دوراهی را خواهم پیمود که علی شیر خدا تک‌سوار عرب در میان سیل کفار پیمود و ندای فزت و رب الکعبه را در نوزدهم رمضان از حلقوم خویش جاری ساخت و راهی که حسین بن علی(ع) سرور آزادگان خود و اهل بیتش با جاری کردن خون سرخشان پیمودند و در آن صحرای کربلا صدای هل من ناصر ینصرنی از گلوگاه خونین سیدالشهدا بیرون آمد.

می‌خواهم راهی را بپیمایم که زینب(س) به خاطر آن اسیر شد و گلوی علی‌اصغر حسین مظلومانه آماج تیر خصم گردید. می‌خواهم راهی را بروم که علوی‌ها و سربداران پیمودند و در این راه فضل‌الله نوری‌ها به خون غلطیدند. راهی را خواهم رفت که پرچمدار آن فرزند محمد و میوه دل زهراست و قیام‌گر علیه نظامی شد که ظلم و جور و استثمار آن فرا گرفته بود و حامی حق و عدالت و حقیقت شد و بدن‌های خود را در این راه آماج گلوله‌های خصم کردند تا دین محمد جاودانه بماند.

رهبر سرافرازم، خون سرخم را جاری ساختم تا خط سرخ شهادت فروزان بماند و روحم را از کالبد تن بیرون ساختم تا در بی‌نهایت به پرواز درآید و با مرغکان این آشیان که از کالبد تن بهشتی‌ها، رجایی‌ها، مطهری‌ها، همخانه شود.

اکنون تو برادر مسلمانم امیدوارم که پیش از افسوس خوردن اسلحه مرا بر دوش کشی و با تکبیر الله‌اکبر همچنان به یاری پیر جماران خمینی بشتابی. سخنی با تو ای انسان دارم، آری با تو هستم که چون جغد بر ویرانه‌ای می‌نشینی و چشم دیدن حقیقت و آبادانی را نداری با تو هستم ای بزدل که در ظاهر با خلق خدا همدردی ولی در عمل جرات کاری را نداری، کم در گوشه اماکن بنشین و منتظر باش تا دگر بار شهیدی از راه برسد و تو از این خوان گسترده صاحب جاه و مقام گردی بس است میراث‌خواری بس است! چون انگل بر پیکر جامعه ما نشستن و چون زالو خون خلق خدا را مکیدن دمی به هوش آی و از خروش این آزادگان درسی گیر تا کی می‌خواهی در خواب خرگوشی سر فرو بری و چون کبک سر خویش در برف کنی. ای انسان با تو با تو هستم.

سالهاست که خون شهدای عزیزمان بر میهن اسلامی جاری ‌شده و هنوز تو بیدار نشده‌ای بیش از چهار سال است که فرزندان ما یتیم می‌شوند، نوعروسان بیوه بی‌فرزند و تو فقط شعار می‌دهی و حال باید رخت غیرت بر تن کنی. همت خویش را آشکار نما و مردانه در این قدم گذار. و چه زیبا گفته شد آنانکه رفتند کاری حسینی کردند و آنان که مانده‌اند باید کاری زینبی کنند وگرنه یزیدند.